

## بررسی مقایسه‌ای بسامد کاربرد استعاره مفهومی «علم» در گفتار خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی

فهیمة فرازمندا<sup>۱</sup>، سید علی اصغر سلطانی<sup>۲\*</sup>، محمدجواد حجازی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

## A Comparative Study of the Frequency of Using the Conceptual Metaphor of "Science" in the Speeches of Khatami, Ahmadinejad and Rouhani

Fahime Farazmand<sup>1</sup>, Seyed AliAsghar Soltani<sup>2\*</sup>, Mohammad Javad Hejazi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Candidate in Linguistics, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. Associate Professor of Linguistics, Baqir al-Olum University, Qom, Iran

3. Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Qom, Iran

Received: 2022/06/02

Accepted: 2023/01/14

10.30473/jl.2024.64274.1541

### Abstract

The higher education system of any country is one of the most important institutions because it trains the forces that take charge of the administration of the country, so wrong policies in this institution can cause serious damage to the country. One of these wrong approaches to science that has entered Iran's higher education in recent decades is the quantitative and economic view of science and the commercialization of knowledge. This research aims to show how the economic and commercial view of science is reflected in their speeches by examining the metaphor of science/knowledge in the speeches of three presidents. In terms of theoretical and methodological framework, this research is based on Lakoff and Johnson (1998) and Chartres-Black (2004). The results of the data analysis show that Mahmoud Ahmadinejad used more metaphorical discourse in his speeches compared to the other two presidents. Also, the conceptual fields of goods, place, and travel are the most frequently used conceptual fields as the origin of metaphors in the body of reference. The field of origin "goods" is the most frequently known field with 78% of the statistics extracted from conceptual metaphors. In addition, the prominence of the commercial and economic view of science in the speeches of all three presidents shows the mentality that has led to the current awkward situation in universities.

**Keywords:** Conceptual Metaphors, Science, Scientific quantification, Khatami, Ahmadinejad and Rouhani, sociolinguistics.

### چکیده

نظام آموزش عالی هر کشور از مهم‌ترین نهادهاست زیرا تربیت‌کننده نیروهایی است که اداره کشور را به عهده می‌گیرند، لذا سیاست‌گذاری‌های غلط در این نهاد می‌تواند آسیب جدی به کشور وارد سازد. یکی از این رویکردهای نادرست به علم که در آموزش عالی ایران در دهه‌های اخیر وارد شده است نگاه کمی و اقتصادی به علم و تجاری‌سازی دانش است. این پژوهش بر آن است تا با بررسی استعاره علم/دانش در گفتار سه رئیس‌جمهور، نشان دهد که چگونه نگاه اقتصادی و تجاری به علم، در سخنان آن‌ها بازتاب یافته است. به لحاظ چارچوب نظری و روشی، این پژوهش مبتنی بر نظریه و رویکرد لیکاف و جانسون (۱۹۹۸) و چارتریس‌بلک (۲۰۰۴) است. نتایج بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که محمود احمدی‌نژاد در مقایسه با دو رئیس‌جمهور دیگر، در سخنرانی‌های خود، از گفتمان استعاری بیشتر بهره برده است. همچنین حوزه‌های مفهومی کالا، مکان، سفر، به ترتیب پر بسامدترین حوزه‌های مفهومی به کاررفته به مثابه حوزه مبدأ استعاره‌ها در پیکره مرجع هستند. حوزه مبدأ "کالا" با تخصیص ۷۸٪ از آمار استخراج شده از استعاره‌های مفهومی، پر بسامدترین حوزه شناخته شده است. به علاوه، برجسته بودن نگاه کالایی و اقتصادی به علم، در سخنان هر سه رئیس‌جمهوری نشان‌دهنده ذهنیاتی است که منجر به وضعیت ناهنجار کنونی در دانشگاه‌ها شده است.

**کلیدواژه‌ها:** استعاره‌های مفهومی، علم، تجاری‌سازی علم، خاتمی، احمدی‌نژاد، روحانی، زبان‌شناسی اجتماعی.

\*Corresponding Author: Seyed AliAsghar Soltani

Email: soltani@bou.ac.ir

\* نویسنده مسئول: سید علی اصغر سلطانی

## مقدمه

نظام آموزش عالی هر کشور را شاید بتوان از مهم‌ترین نهادهای آن کشور به حساب آورد زیرا کلیه نیروهای انسانی‌ای که آن کشور را اداره می‌کنند در واقع، خروجی‌های همان نظام آموزش عالی هستند. از این‌رو، سیاست درست، سیاستی است که کمک کند نهاد آموزش عالی در حد امکان مستقل باشد و بتواند نیروی انسانی کارآمد و نوآوران و تحلیل‌گرانی قوی تربیت کند تا در شرایط عادی و بحرانی راه‌گشای مشکلات کشور باشند.

اما به نظر می‌رسد در ایران در طی دو دهه اخیر سیاست‌هایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر آموزش عالی اعمال شده است که باعث گسترش نگاه کمی و تقویت رویکردهای اقتصادی و تجاری به علم و دانشگاه شده است. اینکه پیشرفت علمی کشور، دانشگاه‌ها یا استادان صرفاً با تعداد مقالات سنجیده شوند از جمله مشکلاتی است که حاصل نگاه کمی و غیرکیفی به علم است و پیامدهای منفی زیادی به بار آورده است. همچنین، گسترش دانشگاه‌های پولی غیردولتی و دوره‌های شبانه و ... حتی در دانشگاه‌های دولتی نیز حاصل شکل‌گیری رویکردی تجاری به علم و به عبارت دیگر، تجاری‌سازی دانش است که خود از عوامل کاهش کیفیت آموزش بوده است.

لذا این پژوهش بر آن است تا در چارچوب نظریه استعاره لیکاف (1998) و جانسون و به کمک روش سه‌مرحله‌ای تحلیل انتقادی استعاره در رویکرد جانانان چارتریس<sup>۱</sup> بلک (۲۰۰۴) به این پرسش پاسخ دهد که سه رئیس‌جمهور ایران (خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) در طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۶، چه نگاهی به «علم/دانش» داشته‌اند<sup>۲</sup> و علم یا دانش را چگونه با کمک استعاره‌ها مفهوم‌سازی کرده‌اند.

## پیشینه تحقیق

به دو دسته از پژوهش‌ها می‌توان در اینجا اشاره کرد: پژوهش‌های مرتبط با نگاه شناختی به استعاره و پژوهش‌های مربوط به جامعه‌شناسی علم.

می‌دانیم که علم و دانش، مفاهیمی انتزاعی هستند که هیچ ارجاعی در جهان واقعی ندارند. بنابراین از استعاره‌ها استفاده می‌کنیم تا با در نظر گرفتن نقش عناصری که در

دنیای واقعی با آن‌ها آشنا هستیم، آن‌ها را قابل درک کنیم. دنیل اندرسون توجه به انواع استعاره‌ها را منجر به تفکر درباره علم و شروع گفت‌وگو درباره مدیریت و کنترل دانش می‌داند (اندرسون، ۲۰۰۶: ۹۶)

لیکاف و جانسون نقشی بنیادی در پیشبرد نظریه استعاره‌های مفهومی داشتند. آن‌ها معتقدند اساس استعاره، فهم و تجربه یک چیز به مثابه چیزی دیگر است و استعاره‌ها از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت می‌شوند. آن‌ها اختیاری نیستند؛ بلکه از تجربیات فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی مشتق شده‌اند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۲۴). لیکاف و جانسون بر اساس دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره را گسترش دادند و تمام جنبه‌های نظریه سنتی را به شیوه‌ای منسجم و نظام‌یافته به چالش کشیدند (استین و گیبز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷: ۱۲۳).

کووچش<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) نیز معتقد است که استعاره‌های مفهومی، مفهومی انتزاعی‌تر را به‌عنوان مقصد و مفهومی عینی‌تر را به‌عنوان مبدأ به کار می‌گیرند. ایوانز و گرین<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) نیز پنهان‌سازی<sup>۶</sup> و برجسته‌نمایی<sup>۷</sup> را از ویژگی‌های دیگر نظریه استعاره مفهومی بیان می‌کنند و معتقدند که هنگام سازمان یافتن حوزه مقصد بر اساس حوزه مبدأ جنبه‌های خاصی از حوزه مقصد برجسته می‌شود، درحالی‌که به طور هم‌زمان جنبه‌های خاص دیگری از حوزه مقصد پنهان می‌شود. گیبز<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) معتقد است مهم‌ترین مزیت نظریه استعاره مفهومی برقراری تعامل بین جسم‌مداری و زبان، اندیشه و تعامل است که ویژگی بارز زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌آید. پژوهش چارتریس بلک (۲۰۰۶) درباره بررسی نقش استعاره‌ها در ایجاد مشروعیت در گفت‌وگوهای سیاسی حزب راست‌گرای بریتانیا در تبلیغات انتخاباتی، پژوهش هایاپ<sup>۹</sup> (۲۰۱۳)، درباره مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ۲۰۱۲ هنگ‌کنگ و پژوهش ژاکل<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۸)، روی استعاره‌های تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا نیز نمونه‌هایی دیگر از این پژوهش‌ها هستند.

پژوهش‌های انجام‌شده روی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی بیشتر به صورت توصیفی-تطبیقی هستند و روی

3. Steen & Gibbs  
4. Zoltan Kovacs  
5. Evans & Green  
6. hiding  
7. highlighting  
8. R. W. Gibbs  
9. Ha Yap  
10. Jäkel

1. Jonathan Charteris-Black

۲. متن تمامی سخنرانی‌ها برگرفته از سایت خبری ریاست جمهوری است. <https://www.president.ir/fa>

لازم به ذکر است پژوهش خاصی در ارتباط با مفهوم سازی علم و استعاره‌های آن در چارچوب نظری مورد نظر این پژوهش (لیکاف و جانسون و چارتریس‌بلک) در سخنان مقامات و رهبران سیاسی چه در خارج و چه در ایران بررسی نشده است، بنابراین در این بخش به پیشینه مطالعاتی مرتبط با مفهوم کلی علم می‌پردازیم.

جامعه‌شناسی علم، در پی تلاش‌های رابرت مرتون<sup>۱</sup> و شاگردانش در سال ۱۹۷۸، به‌عنوان شاخه‌ای از جامعه‌شناسی به رسمیت شناخته شد (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۷). توکل دو تعریف مختلف از جامعه‌شناسی علم مطرح می‌کند؛ یکی تعریف کلاسیک است که جامعه‌شناسی علم را مطالعه رابطه بین فضای علم و عناصر آن از قبیل نهادهای آموزشی-پژوهشی، مؤسسات علمی، دانشگاه‌ها و همین‌طور هنجارهای علمی و جامعه با اجزای آن مثل افراد، امکانات اقتصادی-اجتماعی، نهادهای سیاسی-دینی، پارامترهای تاریخی، نظامی و غیر آن می‌داند. تعریف دوم تعریفی سیستمی است، با در نظر گرفتن فضای اجزاء علم به‌عنوان یک سیستم. آنگاه جامعه‌شناسی علم عبارت خواهد بود از مطالعه روابط جمعی بین عناصر این سیستم. بر اساس نگاه دوم، می‌توان علم را نه تنها معرفتی کسب‌شده با روش‌های علمی، بلکه نهادی اجتماعی دانست که بر مبنای راهبردی تبیینی کار می‌کند و در آن توسل به علل فراطبیعی، مافوق طبیعی و متعالی مجاز نیست (توکل، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۴).

جامعه‌شناسی که به شکل مقایسه‌ای رفتارها و نهادهای اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و از این طریق شرایط توسعه‌ساز و مخالف توسعه را باز می‌شناساند، نیز در جامعه مواجه با افکار، دیدگاه‌ها و گروه‌های سنتی و محافظه‌کار است (کریب، ۱۳۷۸: ۵۶-۵۵). کمپل نیز در مقاله‌ای به نقش میانجی‌گرانه آموزش عالی بین نهادها و عادت پرداخته است. وی تأکید می‌کند که عادات قبلی، گستره عمیقی را برای توسعه کردارهای اخلاقی در آموزش عالی فراهم می‌سازد (کمپل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). باتوجه به پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه استعاره‌های مفهومی و همچنین جامعه‌شناسی علم، به نظر می‌رسد پژوهشی که به طور خاص و موضوعی به بررسی استعاره‌های مفهومی «علم» در گفتار رؤسای جمهور ایران پرداخته باشد، انجام نشده است. پژوهش حاضر با هدف

طیف وسیعی از متون مذهبی، سیاسی و مطبوعاتی، شعر و زبان روزمره انجام شده است. در این راستا، می‌توان به مقاله «زبان‌شناسی شناختی و استعاره» (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱) اشاره کرد. همچنین سه پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «استعاره در زبان فارسی» (مشعشعی، ۱۳۸۰)، «استعاره در زبان فارسی از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی» (یوسفی‌راد، ۱۳۸۲) و «بررسی استعاره در ادبیات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی» (صدری، ۱۳۸۵) در این زمینه نوشته شده است. به این فهرست می‌توان مباحث پراکنده کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم* از کتاب *استعاره و شناخت* (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸) را نیز افزود. بیشتر این پژوهش‌ها با بررسی متون فارسی و یا مقابله آن با زبان‌های دیگر نظیر اسپانیایی (افراشی و همکاران، ۱۳۹۱) و شناسایی عبارات استعاری، وجود استعاره‌های مفهومی در عبارات زبان فارسی و واقعیت جهان‌شمولی آن را تأکید کرده‌اند. برای نمونه، یوسفی‌راد (۱۳۸۲) استعاره مفهومی زمان به مثابه مکان را در زبان فارسی بررسی کرده است. تحقیقات وی، وجود این استعاره و همچنین دو حالت ناظر متحرک و زمان متحرک را در زبان فارسی تأیید می‌کنند.

در راستای موضوع پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش رضایور (۱۳۹۰) نیز اشاره کرد. وی در رساله دکتری خود نقش استعاره را در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌ها در گفتمان‌های سیاسی بررسی کرده است و نشان می‌دهد که نقش استعاره در گفتمان رسانه‌ای، برجسته‌سازی ایدئولوژی است و راهبردهای ایدئولوژیک استعاره نظام‌مند در گفتمان، شامل قطبی‌سازی و برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌هاست، و تمام انواع استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی در بخش سیاسی روزنامه‌ها بیشتر از بخش فرهنگی است و در کل استفاده از استعاره در بخش سیاسی همه روزنامه‌های بررسی‌شده از دیگر بخش‌ها بیشتر است.

ولیدی (۱۳۸۹) نیز با تأکید بر نقش استعاره‌ها در سازوکارهای قدرت، سرشت استعاری قدرت را نشان داده است. قانع (۱۳۹۱) رویکرد چارتریس‌بلک را برای مطالعه آگهی‌های تبلیغاتی به کار برده و به نقش عوامل اجتماعی- فرهنگی در انتخاب حوزه مبدأ و برجسته‌سازی عناصر خاصی از آن پرداخته است.

بخش دوم پیشینه پژوهش حاضر مربوط به جامعه‌شناسی

علم است.

1. Robert K. Merton  
2. Campbell

پرکردن این خلأ در پژوهش‌های شناختی استعاره در زبان فارسی انجام شده است.

### چارچوب نظری و روش

در این پژوهش از رویکرد معناشناسی شناختی به استعاره به‌منظور تأکید بر شناسایی شیوه تفکر زیربنایی که تعیین‌کننده انتخاب واژگانی است استفاده می‌کنیم. این رویکرد که در اثر کلاسیک لیکاف و جانسون<sup>۱</sup> به نام *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*<sup>۲</sup> آغاز شده است، در آثار بعدی آن‌ها تبیین گردیده است (مانند: لیکاف ۱۹۸۷، ۱۹۹۳، ۱۹۹۹؛ لیکاف و ترنر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹؛ جانسون، ۱۹۸۷). ادعای اصلی این رویکرد این است که عبارات استعاری<sup>۴</sup> توسط استعاره‌های زیربنایی و یا مفهومی<sup>۵</sup> برانگیخته می‌شوند. منظور از برانگیختن در اینجا به این معناست که یک فکر منحصربه‌فرد داریم که تعدادی عبارت استعاری را شرح می‌دهد. یک عبارت استعاری فرمول الف همان ب است را دارد (مثلاً زندگی، سفر است). این بدان معناست که عبارت استعاری بسیاری (مثلاً بر سر دوراهی بودن، منحرف شدن از مسیر) وجود دارد که در آن‌ها یک حوزه تجربی (مانند زندگی) از طریق حوزه دیگری (مانند سفر) به‌طور نظام‌مند مفهوم‌سازی شده است. محور دیدگاه لیکاف به استعاره، اصل عدم تفاوت است، یعنی «نگاشت‌های استعاری، نمائنگاری شناختی حوزه مبدأ را، هماهنگ با ساختار ذاتی (ساختار طرح تصویری) حوزه مقصد، حفظ می‌کنند» (لیکاف، ۱۹۹۳:۲۱۵). این بدان معناست که دانش طرح‌واره‌ای تصویری ما از مکان‌های مقصد استعاری، محدودیت‌هایی را بر نگاشت‌های موجود اعمال می‌کند. بنابراین، نگاشت‌ها حاوی مجموعه‌ای از روابط و نه فقط مشخصه‌ها هستند، زیرا آنچه منتقل می‌شود مجموعه دانشی است از ویژگی‌ها، رفتارها و روابط درونی آن‌ها، همان‌طور که در حوزه مقصد مشخص می‌شوند.

پژوهش حاضر به لحاظ روشی در چارچوب تحلیل انتقادی استعاره<sup>۶</sup> چارتریس‌بلک (۲۰۰۴) انجام می‌شود. این رویکرد حاصل توجه بیشتر زبان‌شناسی شناختی به عوامل فرهنگی و اجتماعی در کاربرد زبان و پیوند با گفتمان و

مجدوب شدن تحلیل انتقادی گفتمان به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زبان‌شناسی شناختی است (لی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶: ۹۲).

چارتریس‌بلک با باور به جدایی‌ناپذیر بودن تحلیل زبانی از دیگر علوم اجتماعی و ارزشمندی ترکیب تحلیل زبان‌شناختی با درک شناختی و بینش اجتماعی، تلاش کرد تا یک‌بار دیگر قلمرو مطالعات استعاره را توسعه دهد. چارتریس‌بلک بر این باور است که استعاره مشخصه‌های زبانی، کاربردشناسی و شناختی دارد و بعد کاربردشناختی آن از اهمیتی ویژه برخوردار است که در مطالعات اخیر معناشناسی شناختی استعاره مورد غفلت واقع شده است. او رویکرد خود را که درصدد تبیینی جامع از استعاره با تلفیق دستاوردهای تحلیل انتقادی گفتمان، کاربردشناسی و معناشناسی شناختی بر مبنای شواهد پیکره‌ای است، «تحلیل انتقادی استعاره» نامید (چارتریس‌بلک، ۲۰۰۴: ۱۳).

گفتمان‌ها نظام‌هایی خودبنیادند که برای دستیابی به قدرت، زبان و همه پدیده‌های دیگر را در سیطره خود می‌گیرند. پس به این ترتیب گفتمان، نظامی است که از زبان بزرگ‌تر است و چگونگی آن را تعیین می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۲۵).

از این‌رو، می‌توان گفت تحلیل انتقادی استعاره، توانمندسازی هدف‌دار تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه استعاره مفهومی است. البته این رویکرد در ادامه دوباره پای مطالعات بلاغی و سبکی را نیز به مطالعات شناختی و گفتمانی استعاره باز کرد (ر.ک. چارتریس‌بلک، ۲۰۱۴).

تحلیل انتقادی استعاره برای رفع دیگر کاستی نظریه‌های شناختی، یعنی استفاده از داده‌های آزموده‌نشده و مبتنی بر شم پژوهشگر، روشی پیکره‌بنیاد را در پیش گرفته و ادعاهای خود را با زبان در کاربرد واقعی آن می‌سنجد و از تحلیل‌های کمی در کنار تحلیل‌های کیفی بهره می‌برد.

پژوهش حاضر از روش‌های استدلال و تحلیل آماری کیفی استفاده می‌کند. پیکره زبانی این پژوهش شامل تمامی سخنرانی‌های پنج‌مین، ششمین و هفتمین رئیس‌جمهور ایران، از سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ در دوره‌های اصلاحات، اصول‌گرایی و اعتدال‌گراست که در ۵ مناسبت: روز دانش‌آموز (۱۳ آبان)، روز دانشجو (۱۶ آذر)، روز معلم (۱۲ اردیبهشت)، هفته پژوهش و آیین بازگشایی مدارس در آغاز سال تحصیلی (۱ مهر) ایراد شده‌اند. رویه اصلی بررسی استعاره‌های مفهومی در این مجموعه سخنرانی‌ها بر پایه مفهوم «علم» و مشتقات آن است. متون انتخابی جهت پوشش مفاهیم مدنظر

1. Lakoff & Johnson
2. Metaphors We live By
3. Turner
4. Metaphorical expressions
5. Underlying or conceptual
6. CMA

۱ آمده است.

**جدول ۱.** فراوانی کاربرد واژه علم (دانش) در گفتمان هر سه رئیس‌جمهور

نام رئیس‌جمهور	خاتمی	احمدی‌نژاد	روحانی
مجموع	۹۹	۱۹۶	۱۵۸

**جدول ۲.** درصد فراوانی کاربرد حوزه‌های مبدأ در پیکره

ردیف	حوزه‌های مبدأ	خاتمی	احمدی‌نژاد	روحانی
۱	گیاهان	۱۶٪	۳٪	۵٪
۲	مکان	۷٪	۱۴٪	۲۱٪
۳	معنویت	۲٪	۱۷٪	-----
۴	شیء	۱۲٪	۹٪	۱۳٪
۵	سفر	۲٪	۱۴٪	۲۱٪
۶	ساختمان	۱۶٪	۹٪	۸٪
۷	رقابت	۴٪	۳٪	-----
۸	کالا	۳۳٪	۲۶٪	۱۹٪
۹	انسان	۸٪	۵٪	۱۳٪

نتایج بررسی پیکره نشان می‌دهد، حوزه‌های مفهومی اقتصاد، مکان، سفر، شیء و ساختمان از پربسامدترین حوزه‌های مفهومی به کاررفته به منزله حوزه مبدأ استعاره‌ها در گفتمان هر سه رئیس‌جمهور هستند. برخی از دیگر حوزه‌های شناسایی شده عبارت‌اند از: گیاهان، مکان، نور، شیء، رقابت، و انسان. استعاره‌ها بر اساس تنش معنایی-شناختی حاصل از تغییر در دامنه واژه‌ها شناسایی شدند.

باتوجه به روش تشخیص استعاره‌های چارتریس‌بلک در پیکره زبانی این پژوهش، ۱۵۲ عبارت استعاری وجود داشت که از این مجموع، ۴۹ استعاره از گفتمان سید محمد خاتمی و ۶۵ استعاره از گفتمان محمود احمدی‌نژاد و ۳۸ استعاره از گفتمان حسن روحانی استخراج شده است. نتایج آماری به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد محمود احمدی‌نژاد در مقایسه با دو رئیس‌جمهور دیگر، در سخنرانی‌های خود، از گفتمان استعاری بیشتر بهره برده است.

**جدول ۳.** درصد فراوانی کاربرد استعاره علم (دانش) در گفتمان رؤسای جمهور

نام رئیس‌جمهور	خاتمی	احمدی‌نژاد	روحانی
درصد فراوانی	۲۲٪	۴۳٪	۲۵٪

پژوهشگر، از بین سخنرانی‌ها در مناسبت‌های مرتبط با «علم» انتخاب شده است، و در گام بعدی این استعاره‌ها به روش چارتریس‌بلک، توصیف و تحلیل داده‌ها در سه مرحله تعیین، تفسیر و تبیین انجام شده است.

در مرحله تعیین/توصیف، پیکره‌ای حاصل از متن سخنرانی‌های سه رئیس‌جمهور ایران با تمرکز بر استخراج استعاره‌های زبانی علم/دانش، تهیه شده و کلیه استعاره‌های آن در قالب جدول، فهرست و بر اساس حوزه مبدأ دسته‌بندی شده و تحلیل‌های کمی روی آن‌ها انجام یافته است.

معیار تشخیص استعاره در این مرحله وجود تنش معنایی است که خود حاصل صنایع ادبی زیر هستند:

تجسم: تجسم عبارت است از اشاره به چیزی انتزاعی با استفاده از کلمه یا عبارتی که در بافت‌های دیگر به چیزی عینی اشاره می‌کند. (چارتریس‌بلک، ۲۰۰۴: ۲۱).

تشخص: ارجاع به چیزی غیرجاندار با استفاده از کلمه یا عبارتی که در بافت‌های دیگر به چیزی جاندار ارجاع می‌دهد (همان).

تشخص‌زدایی: تشخص‌زدایی عبارت است از ارجاع به چیزی جاندار با استفاده از کلمه یا عبارتی که در بافت‌های دیگر به چیزی غیرجاندار اشاره دارد (همان).

در مرحله تفسیر، استعاره‌های مفهومی از روی استعاره‌های زبانی استخراج شده‌اند. در مرحله تبیین نیز استعاره‌های مفهومی کلیدی<sup>۱</sup> از روی استعاره‌های مفهومی استخراج، طبقه‌بندی و به بحث گذاشته شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق روش آماری در اکسل انجام شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش از هیچ‌گونه آزمونی جهت ارزیابی داده‌ها استفاده نشده است و تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی انجام گرفته است.

## تحلیل داده‌ها

### توصیف داده‌ها

بعد از پیاده‌سازی پیکره زبانی برگرفته از سخنرانی‌های سه رئیس‌جمهور، پیکره‌ای تقریباً ۱۷۷ هزار کلمه‌ای تهیه شد که از این میان تنها ۲۷۴۶۲ جمله، حاوی واژه مفهومی مدنظر این پژوهش یعنی «علم» بود. تنها در ۱۵۲ عبارت، واژه علم به صورت استعاری استفاده شده بود. بنابراین، نسبت وقوع واژه علم به کل پیکره حدود ۱۵ درصد است. فراوانی کاربرد واژه علم در گفتمان هر یک از سه رئیس‌جمهور در جدول شماره

1. key conceptual metaphors

## بررسی و تحلیل کیفی چند نمونه از استعاره‌های مفهومی و استعاره‌های مفهومی کلیدی در سخنرانی‌های سید محمد خاتمی

- دانشگاه‌ها باید تولید فکر و علم کنند و برای رسیدن به پای کشورهای دیگر، باید به مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی و پژوهشی متکی بود.<sup>۱</sup>
- در عرصه تحقیق و علم هنوز خیلی کار داریم تا به مرحله تولید علم برسیم.<sup>۲</sup>
- جوانان ما در المپیادها و در مسابقات مختلف با وجود امکانات کم، افراد و کشورهای دیگر را پشت سر می‌گذارند. ما که این عظمت را داشته‌ایم اکنون نه تنها تولیدکننده علم نیستیم، حتی مصرف درست از علم دیگران را بلد نیستیم که این برای کشور ما قابل تحمل نیست.<sup>۳</sup>
- ملت ایران در طول تاریخ از تولیدکنندگان علم و تمدن بوده‌اند و امروز نیز می‌توانند در عرصه علم و دانش به جایگاه مناسبی دست‌یابند.<sup>۴</sup>

تحلیل کیفی جملات استعاری فوق حاکی از آن است که علم کالایی است قابل تولید. بنابراین تولیدشدن علم، نشان‌دهنده استعاره مفهومی «علم کالا است» می‌باشد و در سطح کلان به کلیدمفهومی علم اقتصاد اشاره دارد. این استعاره مفهومی نوعی تجسم است که مفهوم انتزاعی علم را از طریق قیاس با مفاهیم فیزیکی، ملموس‌تر می‌سازد. جنبه ایدئولوژیک استعاره در متون اقتصادی که در آن، استعاره‌ها در انتقال رویدادهای اقتصادی فارغ از اهمیتشان برای توسعه نظری نقش محوری دارند بسیار مهم است. جستجوی کاربرد استعاره در گزاره‌های اقتصادی به شناخت عقاید، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای نهفته کمک کرده، به ما اجازه می‌دهد کاربرد زبان برای خلق ایدئولوژی را به‌طور انتقادی ارزیابی کنیم. همچنین با توجه به معیارهای چارتریس‌بلک برای تشخیص استعاره مفهومی، از لحاظ معیارهای زبانی فرض علم به مثابه کالا مؤید جسمیت یافتگی علم است، زیرا «تولید شدن» که در بافت‌های دیگر به چیز عینی اشاره می‌کند، در این عبارت، به «علم» که انتزاعی است اشاره کرده و تنش‌معنایی ایجاد

کرده است. از لحاظ معیار شناختی نیز درک مفهوم انتزاعی «علم» بر اساس موقعیتی تجربه شده صورت می‌گیرد؛ بدان معنی که ما در زندگی عادی به‌طور مثال، تولید کردن یک محصول یا قطعه صنعتی را تجربه کرده‌ایم، پس «علم» را بر اساس «کالا» سازمان‌دهی کرده‌ایم، یعنی برای فهم بهتر حوزه مقصد «علم» از حوزه مبدأ «کالا» برای انتقال مفهوم استفاده شده است. بررسی عبارت استعاری فوق در چارچوب نظری لیکاف و جانسون نیز نشان می‌دهد؛ در این جمله عبارت علم کالا است استعاره مفهومی ساختاری محسوب می‌شود که براساس آن مفهومی بر اساس مفهوم دیگر فهمیده می‌شود.

استعاره مفهومی ← علم کالا است.  
کلیدمفهومی ← علم اقتصاد است.

در بخش دوم از جمله سوم با نوعی دیگر از استعاره‌های مفهومی مواجهیم. فرض «عرصه» برای مقوله مفهومی علم به مثابه ساختمانی است حائز عرصه. استعاره ساختمان فعالیت منجر به پیشرفت در مسیری رو به سوی هدف از پیش تعیین شده است. چون دستیابی به هدف ذاتاً ارزشمند است، استعاره ساختمان می‌تواند ارزش‌گذاری مثبتی از علم را ارائه دهد. از منظر موقعیت‌شناسی مکانی نیز مستلزم افزایش سطح پوشش است. در ساختمان، پیشرفت در مسیری عمودی روی می‌دهد و فعالیتی است که نیازمند طرح، نقشه راه و معمار است. استعاره‌های ساختمان نمونه‌های رایج تجسم هستند، مثل وقتی که «ساختن» با اهداف انتزاعی از قبیل صلح و تفاهم بین المللی همراه می‌شوند.

استعاره‌های ساختمان توسط استعاره مفهومی جامعه، ساختمان است برانگیخته می‌شوند و پیوسته ارزیابی مثبتی دارند زیرا نتیجه‌ای ارزشمند، مستلزم مشارکت اجتماعی میان دولت و مردم است. اهداف اجتماعی در قالب صبر و تلاش قابل درکند. این تأکید بر پیشرفت به سوی اهداف بلندمدت اجتماعی در کاربرد استعاره‌های شالوده (پایه، بنیان) که هر آنچه بعد از آن‌ها بیاید را مثبت ارزش‌گذاری می‌کند مشهود است. پی‌ریزی شالوده در حقیقت استعاره‌ای قراردادی برای بازنمایی سیاستی پایدار و ارزشمند است، اگرچه ممکن است در واقعیت جامعه عمل نباشد (چارتریس‌بلک، ۲۰۰۴: ۹۷). در بررسی چارچوب طرح‌واره‌ای دانش خود از ساختمان به این معنای ضمنی دست می‌یابیم و به این نکته پی می‌بریم که هر ساختمان محکم ابتدا باید شالوده خوبی داشته باشد و این را هم می‌دانیم که پی‌ریزی شالوده لزوماً بیانگر تکمیل یک

۱. شناسه خبر: ۳۶۸۱ - سه شنبه ۲۵ آذر ۱۳۸۲

۲. شناسه خبر: ۳۶۸۱ - سه شنبه ۲۵ آذر ۱۳۸۲

۳. شناسه خبر: ۳۶۸۱ - سه شنبه ۲۵ آذر ۱۳۸۲

۴. شناسه خبر: ۲۸۲۲ - پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۸۱

انتقال مفهوم استفاده شده است.

استعاره مفهومی ← علم کالا است.

کلیدمفهومی ← علم اقتصاد است.

### بررسی و تحلیل کیفی چند نمونه از استعاره‌های مفهومی و استعاره‌های مفهومی کلیدی در سخنرانی‌های حسن روحانی

• همه دانشمندان و بزرگان ما در قرن‌های متمادی علم خود را بی‌منت به دنیا صادر کردند، کتاب دادیم، دانشجو پذیرفتیم، استاد فرستادیم و به هیچ عنوان به فکر انحصار علم نبودیم.<sup>۵</sup>

در عبارت فوق دو استعاره یکسان وجود دارد و در هر دو مورد علم به مثابه کالا است. در بخش نخست علم کالایی است با ارزش، و دارای قابلیت بسیار زیاد به جهت صادرات. صدور علم در اینجا استعاره از نشر و بسط آن به جهان است. بدین منظور که در قرن‌های متمادی اندیشمندان ایرانی به لحاظ علمی از قابلیت بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند به طوری که اندوخته‌های علمی خود را به صورت رایگان، به سایر کشورهای دنیا انتقال می‌دادند.

استعاره مفهومی ← علم کالا است.

کلیدمفهومی ← علم اقتصاد است.

واژه «انحصار» نیز نشان‌دهنده استعاره ساختاری برپایه مفهوم «علم کالا است» می‌باشد. حوزه مبدأ آن «کالا» و حوزه مقصد آن «علم» است. در این جمله می‌توان به مفاهیمی از قبیل رفع حصر علم و مشتقات آن و تأکید بر ایجاد فضای آزاداندیشی، تبادل آرا و تضارب افکار و همچنین توسعه آزاداندیشی و بازنگری در قوانین موجود با هدف حمایت از روحیه خردگرایی، آزاداندیشی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان که گواهی بر شالوده فکری غالب در این دوران بوده نیز اشاره کرد.

علاوه بر این، باتوجه به معیارهای چارتریس بلک برای تشخیص استعاره مفهومی، از لحاظ معیارهای زبانی، صادر کردن و یا به انحصار درآوردن علم «تجسم» است، زیرا «کالا» که در بافت‌های دیگر به چیز عینی اشاره می‌کند، در این عبارت، به «علم» که انتزاعی است اشاره کرده و تش معنایی ایجاد کرده است. از لحاظ معیارشناختی نیز درک مفهوم انتزاعی «علم» بر اساس موقعیتی تجربه شده

ساختمان نیست. درحالی‌که اگر شالوده ساخته شده باشد، خرید مصالح ساختمانی و هزینه سایر منابع نیز برای ساختمان ضروری است.

### بررسی و تحلیل کیفی چند نمونه از استعاره‌های مفهومی و استعاره‌های مفهومی کلیدی در سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد

• اگر بخواهیم در علم و تعلیم و تربیت در عرصه جهانی تأثیرگذار باشیم، باید علم نافع تولید و انسان‌های صالح تربیت کنیم.<sup>۱</sup>

• خوشبختانه، تولید علم الان روی نوار خوبی افتاده است.<sup>۲</sup>

• ما در تولید علم باید حرف اول را نه در منطقه بلکه در دنیا بزنیم. این جایگاه ایران بوده است.<sup>۳</sup>

• تولید علم باید برای صلح و برادری باشد، دانشگاه‌ها به عنوان مراکزی، ثابت و پایدار بهترین محل برای تربیت انسان هستند.<sup>۴</sup>

تحلیل کیفی جملات استعاری فوق نیز مشابه تحلیل عنوان شده در بخش قبلی، حاکی از آن است که علم به مثابه کالایی است قابل تولید و مصرف. بنابراین مجدداً تولید شدن علم، نشان‌دهنده استعاره مفهومی «علم کالا است» می‌باشد و در سطح کلان و عام به کلیدمفهومی علم اقتصاد اشاره دارد. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، این استعاره مفهومی نوعی تجسم است که مفهوم انتزاعی علم را از طریق قیاس با مفاهیم فیزیکی، ملموس‌تر می‌سازد. همچنین با توجه به معیارهای چارتریس بلک برای تشخیص استعاره مفهومی، از لحاظ معیارهای زبانی فرض علم به مثابه کالا، مؤید جسمیت یافتگی علم است، زیرا «تولید شدن» که در بافت‌های دیگر به چیز عینی اشاره می‌کند، در این عبارت، به «علم» که انتزاعی است اشاره کرده و تنش معنایی ایجاد کرده است. از لحاظ معیارشناختی نیز درک مفهوم انتزاعی «علم» بر اساس موقعیتی تجربه شده صورت می‌گیرد؛ پس «علم» را بر اساس «کالا» سازمان‌دهی کرده‌ایم، یعنی برای فهم بهتر حوزه مقصد «علم» از حوزه مبدأ «کالا» برای

۱ شناسه خبر: ۱۶۲۷۰ یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

۲ شناسه خبر: ۱۵۹۲۰ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

۳ شناسه خبر: ۱۵۹۲۰ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

۴ شناسه خبر: ۹۶۲۳ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

۵. شناسه خبر: ۸۶۷۶۴ - دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴

بافت‌های دیگر به چیزی عینی اشاره می‌کند، به «علم» که انتزاعی است اشاره نموده و تنش معنایی ایجاد کرده است. از لحاظ معیار شناختی نیز درک مفهوم انتزاعی «علم» بر اساس موقعیتی تجربه‌شده صورت می‌گیرد؛ بدان معنی که ما در زندگی عادی به‌طور مثال، تولید و پخش برخی کالاها را تجربه کرده‌ایم، پس «علم» را بر اساس «کالا» سازمان‌دهی کرده‌ایم، یعنی برای فهم بهتر حوزه مقصد «علم» از حوزه مبدأ «کالا» برای انتقال مفهوم استفاده شده است.

استعاره مفهومی ← علم کالا است.  
کلیدمفهومی ← علم اقتصاد است.

• در تولید علم و فناوری وضع ما خوب است. معاونت علمی و فناوری ما قدم‌های خوبی در این چند سال برداشته است.<sup>۳</sup>

در عبارت فوق، استعاره «وضع خوب در تولید علم» نیز نشان می‌دهد که با استعاره مفهومی «علم کالا است» مواجهیم. چنانچه علم را به مثابه اقتصاد در نظر بگیریم وضع خوب در علم گواه بالا بودن سطح کمی علم است. همچنین با توجه به معیارهای چارتریس بلک برای تشخیص استعاره مفهومی، از لحاظ معیارهای زبانی فرض علم به مثابه کالا «تجسم» است، زیرا «وضع مالی خوب» که در بافت‌های دیگر به چیز عینی اشاره می‌کند، در این عبارت، به «علم» که انتزاعی است اشاره نموده و تنش معنایی ایجاد کرده است. یعنی در این عبارت استعاری نیز برای فهم بهتر حوزه مقصد «علم» از حوزه مبدأ «کالا» برای انتقال مفهوم استفاده شده است.

### تفسیر داده‌ها

تفسیر، تحلیل و بررسی بسامد کاربرد هر یک از استعاره‌های مفهومی، در مجهز ساختن محقق به ابزارهایی برای فهم چگونگی بازنمایی دال‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده گوینده در جهت مقبولیت گزاره‌ها و اثرگذاری بر مخاطب و همچنین در رسیدن به تصویری کلی از گفتمان ارائه‌شده توسط هر یک از رؤسای جمهور، مؤثر بوده است. با وجود شباهت در استفاده جریان‌های سیاسی از حوزه‌های مبدأ استعاره‌ها، تفاوت‌هایی در فراخوانی هستی‌های این حوزه‌ها مشاهده می‌شود که بازتاب تفاوت‌های ایدئولوژیک این جریان‌هاست و در ادامه به تفصیل به این تفاوت‌ها اشاره شده است:

صورت‌می‌گیرد؛ بدان معنی که ما در زندگی عادی به‌طورمثال، احتکار کردن محصولات و کالاهای مختلف را تجربه کرده‌ایم، پس «علم» را بر اساس «کالا» سازمان‌دهی کرده‌ایم، یعنی برای فهم بهتر حوزه مقصد «علم» از حوزه مبدأ «کالا» برای انتقال مفهوم استفاده شده است.

استعاره مفهومی ← علم کالا است.  
کلیدمفهومی ← علم اقتصاد است.

• علم و دانش را رایگان و بی‌منت بدون اینکه بخواهیم تبدیل به یک اهرم فشار کنیم در اختیار همه گذاشتیم<sup>۱</sup>.

باهم‌آیی دو واژه علم و رایگان نشان‌دهنده استفاده از علم به مثابه کالا در این عبارت استعاری است. تفسیر عبارت فوق نشان می‌دهد که علم در برخی جوامع به اهرم فشار و یا ابزار قدرت تبدیل می‌شود. به‌طوری‌که نگاه و درک علم برای برخی از جوامع ابزاری می‌شود که بسیار هم مضر است. در آن صورت علم و شناخت آن در اختیار سرمایه‌داران و سیاسیون قرار می‌گیرد و آن‌ها با چراغ علم و گزیده‌تر تجارت خواهند کرد و استثمار خود را در جوامع گسترش می‌دهند. لذا علم باید از استقلال لازم برای انتقاد از مسیر اشتباه و هدایت جامعه برخوردار باشد و به جهت نیل به اهداف سیاسیون و یا حتی سرمایه‌داران مورد بهره‌وری قرار نگیرد. از لحاظ معیار شناختی نیز درک مفهوم انتزاعی «علم» بر اساس موقعیتی تجربه شده صورت‌می‌گیرد و برای فهم بهتر حوزه مقصد «علم» از حوزه مبدأ «کالا» برای انتقال مفهوم استفاده شده است.

استعاره مفهومی ← علم کالا است.  
کلیدمفهومی ← علم اقتصاد است.

• شرکت‌های دانش‌بنیان با تولید علم، درآمد، قدرت، رفا و عزت می‌آفرینند<sup>۲</sup>.

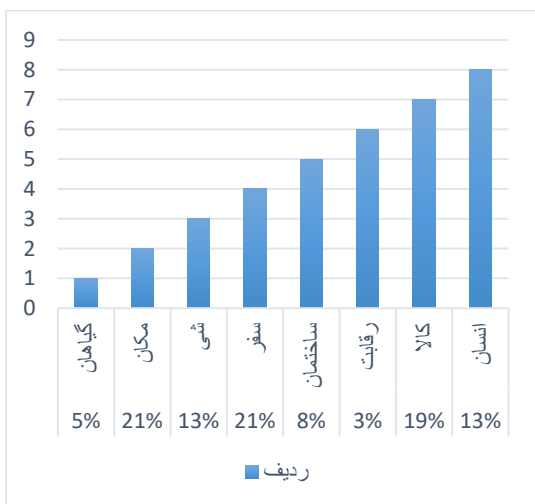
نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در تجاری‌سازی علم، مؤید کارکرد استعاری علم در عبارت فوق است. علم به مثابه کالایی است که توسط این شرکت‌ها تولید می‌شود. از لحاظ معیارهای زبانی و همچنین با توجه به معیارهای چارتریس بلک برای تشخیص استعاره مفهومی، عزت‌آفرینی به واسطه تولید علم، «تجسم» است، زیرا «تولید کردن» که در

۱. شناسه خبر: ۸۶۷۶۴ - دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴

۲. شناسه خبر: ۱۱۲۰۸۰ - سه شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۸

۳. شناسه خبر: ۹۶۶۷۰ - سه شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۵





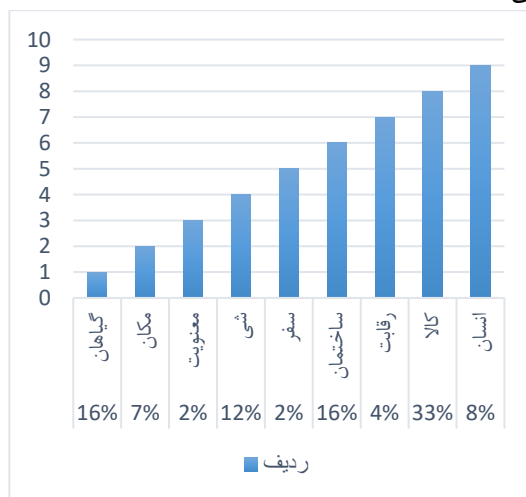
نمودار ۳. مفهوم‌سازی علم در گفتار حسن روحانی

باتوجه به داده‌های زیر استعاره‌های مفهومی مکان و استعاره‌های مفهومی سفر در گفتار روحانی از بیشترین بسامد کاربرد برخوردار بوده‌اند و استعاره‌های رقابت و معنویت کمترین بسامد کاربرد را داشته‌اند. آنچه در گفتار روحانی در همه عرصه‌ها مشاهده می‌شود استعاری صحبت کردن است، مصداق بارز آن نماد وی برای انتخابات یعنی کلید بود که در واقع خود کلید بیانی استعاری در زمینه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شد. در همین راستا گفتار وی در باب علم و دانشگاه نیز از همین اصول تبعیت می‌کند.

جدول ۴. نمونه کاربرد حوزه‌های مبدأ در پیکره مرجع

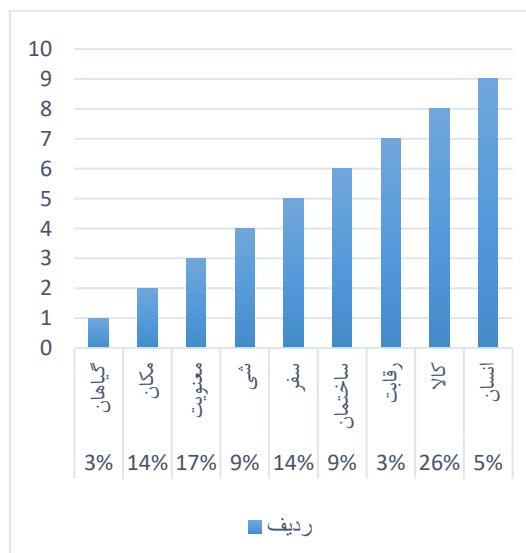
کلید مفهومی	استعاره	حوزه مبدأ	ردیف
علم رقابت است	در علم عقب مانده‌ایم	رقابت	۱
علم مکان است	کانون علم در ایران نیست	مکان	۲
علم شی است	کتاب علم را حمل می‌کند.	شی	۳
علم سفر است	در راه علم گام برداشتن	سفر	۴
علم اقتصاد است	تولید علم روی نوار خوبی افتاده است	کالا	۵
علم انسان است	علم وطن ندارد.	انسان	۶
علم گیاه است	در پاییز بوی علم به مشام می‌رسد	گیاه	۷
علم ساختمان است	علم دروازه دارد	ساختمان	۸
علم معنویت است	علم فطرت را پاک می‌کند	معنویت	۹

نمودارهای زیر مفهوم‌سازی علم/دانش در گفتار دولت‌های اصلاح‌طلب، اصول‌گرا و اعتدال‌گرا باتوجه به رویکرد و فضای غالب در زمان هر یک از رؤسای جمهور ایران را نشان می‌دهند.



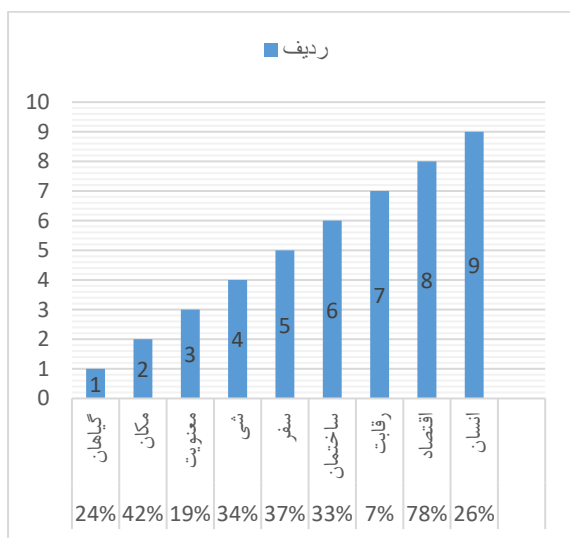
نمودار ۱. مفهوم‌سازی علم در گفتار محمد خاتمی

باتوجه به داده‌های زیر استعاره‌های مفهومی کالا، ساختمان و گیاهان، در گفتار خاتمی از بیشترین بسامد کاربرد برخوردار بوده‌اند و استعاره‌های مفهومی معنویت و سفر از کمترین بسامد کاربرد.



نمودار ۲. مفهوم‌سازی علم در گفتار محمود احمدی‌نژاد

باتوجه به داده‌های زیر استعاره‌های مفهومی کالا، معنویت در گفتار احمدی‌نژاد از بیشترین بسامد کاربرد برخوردار بوده‌اند و استعاره‌های مفهومی گیاهان و رقابت از کمترین بسامد کاربرد.



**نمودار ۵.** درصد فراوانی کاربرد استعاره‌های مفهومی کلیدی در گفتمان هر سه رئیس‌جمهور

با توجه به نمودار فوق، ترتیب توالی بسامد کاربرد استعاره‌های مفهومی کلیدی از بیشترین بسامد به کمترین بسامد به شرح زیر است:

کلیدهای مفهومی اقتصاد < کلیدهای مفهومی مکان < کلیدهای مفهومی سفر < کلید مفهومی شی < کلید مفهومی ساختمان < کلیدهای مفهومی انسان < کلید مفهومی گیاهان < کلید مفهومی معنویت < کلید مفهومی رقابت.

### بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل کمی استعاره‌ها در پیکره‌ای تقریباً ۱۷۷ هزار کلمه‌ای از متن پیاده شده نشان داد که تنها ۲۷۴۶۲ جمله، حاوی واژه مفهومی مدنظر این پژوهش یعنی «علم» بود. تنها در ۱۵۲ عبارت، واژه علم به صورت استعاره استفاده شده بود. بنابراین، نسبت وقوع واژه علم به کل پیکره حدود ۱۵ درصد است. از مجموع ۱۵۲ استعاره مفهومی، ۴۹ استعاره در گفتمان خاتمی بکار رفته و ۶۵ استعاره مربوط به گفتمان احمدی‌نژاد می‌شود و بیشترین بسامد کاربرد با تعداد ۳۸ استعاره مربوط می‌شود به گفتمان روحانی. بنابراین می‌توان بسامد کاربرد استعاره‌های مفهومی در گفتمان هر سه رئیس‌جمهور را به شکل روبه‌رو نشان داد: اصول‌گرایان < اصلاح‌طلبان < اعتدال‌گرایان <.

همچنین دسته‌بندی مبدأ محور استعاره‌ها نشان می‌دهد، حوزه‌های مفهومی کالا، مکان، سفر، به ترتیب پربسامدترین حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته به مثابه حوزه مبدأ استعاره‌ها در پیکره مرجع هستند. لازم به ذکر است که در این دسته‌بندی

در جدول شماره ۴، برای هر یک از حوزه‌های مبدأ، نمونه جمله‌ای استعاره‌ای از درون پیکره مرجع آمده است. جزئیات بیشتر در خصوص حوزه‌های مبدأ ذیل تبیین جملات استعاره‌ای آمده است.

### تبیین استعاره‌های مفهومی کلیدی

در روش تحلیل استعاره‌های با توجه به رویکرد چارتریس‌بلک (۲۰۰۴)، در مرحله تبیین، به دلایل گزینش استعاره‌ها توسط کاربران زبانی، الگوهای استعاره‌ای استخراج شده و به بررسی بسامد کاربرد و تعیین انگیزه‌های ایدئولوژیک آن‌ها پرداخته می‌شود.

سیاست‌گذاران عمدتاً برای نشان دادن اهمیت یک مقوله مفهومی از نظام استعاره بهره می‌گیرند و با استفاده از برجسته‌سازی، مفاهیم موردنظر خود را به مخاطبان القا می‌کنند. برای مثال، "علم (دانش)"، می‌تواند به‌عنوان کالا، با کلیدواژه مفهومی علم، کالا است مفهوم‌سازی گردد. موجودی غیرجاندار با جسمیت‌یافتگی قابلیت بیشتری را برای تثبیت در آذهای شنوندگان خواهد داشت. در پیکره موردنظر نیز طیف گسترده‌تری از کلیدواژه‌ها با کالا مرتبطند و "علم (دانش)"، به‌مثابه کالایی دانسته شده است که قابلیت تولید شدن و صادر شدن به مناطق مختلف را دارد. کاربرد استعاره مفهومی "علم کالا است" و همین‌طور کلید مفهومی "علم اقتصاد است"، نشان‌دهنده رویکرد مبتنی بر کمی‌گرایی در علم است. وابستگی برون‌داد فعالیت‌های علمی و پژوهشی به زندگی مردم می‌تواند تأثیر نهان علم و دانش بر عملکرد صنعت بر زندگی مردم را نشان دهد، به این صورت که هر چه نظام آموزشی در یک کشور کاربردی‌تر و همسو با رفع نیازهای معیشتی مردم باشد، کیفیت زندگی آنان نیز به سطح بالاتری خواهد رسید. رشد کمی فعالیت‌های پژوهشی بدون درنظرگرفتن نیازهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی افراد آن جامعه جز اتلاف وقت و سرمایه و انرژی نیست. محققان و پژوهشگران ما در مجامع علمی و دانشگاهی متعهد هستند که با بهره‌گیری از منابع علمی و پژوهشی موجود در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، به‌طور ملموس و به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم بر روی ارتقاء سطح کیفی زندگی افراد جامعه خود تأثیر مثبتی داشته باشند. در ادامه نمودار درصد فراوانی کاربرد استعاره‌های مفهومی کلیدی در گفتمان هر سه رئیس‌جمهور نشان داده شده است.

همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۹). و همان‌طور که داده‌های پژوهش حاضر نشان داد، رویکرد این گفتمان برآیندی از گفتمان‌های قبلی با ضریب انعطاف بیشتری نسبت به هر دو گفتمان پیشین است.

البته این نوع نگاه به علم، به‌طور صددرصدی منجر به رشد کیفی علم در این دوران نشد و همچنان رکود سطح کیفی علم و دانشگاه در کشور به‌طور نگران‌کننده‌ای به چشم می‌خورد. بنابراین درخصوص قیاس‌های آماری مبتنی بر رویکردهای اقتصادی بنیاد به مقوله مفهومی علم در گفتمان هر سه رئیس جمهور، و همچنین نمایش نرخ کاهش سطح کیفی علم در ادوار مذکور، باید به تغییرات سینوسی و بدون شیب معین اشاره داشت. نموداری که در بازه‌ای از زمان رشد صعودی داشته و سپس با رکود بسیار شدیدی مواجه می‌شود و در انتهای این نمودار سینوسی مجدداً با رشد نسبتاً ملموس سطح کیفی علم که آن هم در نتیجه قائل شدن به مقوله آزادی علمی ایجاد شده بود مواجه هستیم. شیب نمودار کیفیت علم از دوره اصلاحات به اصول‌گرا نزولی بوده ولی در زمان اعتدال‌گرایان، نمودار مجدداً حالت صعودی به خود گرفته ولی نسبت به دوره اصلاحات کیفیت علم در سطح پایین‌تری است.

از آنجا که استعاره‌های مفهومی، استنباط‌هایی انتزاعی از مصادیق زبانی هستند که توسط استعاره‌های مشخص ارائه می‌شوند و کاربران زبانی از این استعاره‌های مخفی، به قصد اقناع و هدف رتوریک برانگیختن احساسات استفاده می‌کنند تا رویکرد متفاوت خود به مقوله‌های مفهومی پیرامون خود را نشان دهند، سیاست‌گذاری‌های هر یک از سه طیف سیاسی در دوران ریاست جمهوری‌شان جدا از نحوه نگرش آنان به مقوله مفهومی "علم (دانش)"، نبوده است چرا که برای پیشرفت علم یک شرایط سیاسی مناسب لازم است که در آن مسئولان سیاسی درک لازم از علم را داشته باشند و برای علم ارزش قائل باشند (فرامرزی رفیع پور، ۱۳۸۱). چنانچه در ادامه، داده‌های آماری نشان می‌دهد، وضعیت علم در سال‌های اخیر با بحران مواجه شده و با رشد صعودی به سمت کمی شدن در حرکت است.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که نگاه اقتصادی و تجاری به علم در گفتمان هر سه طیف سیاسی مشاهده می‌شود و کاربرد استعاره مفهومی "علم کالا است" و همچنین کلیدمفهومی "علم اقتصاد است" نشان می‌دهد که علم به مثابه کالایی تولیدی و حتی قابل فروش

میدآم‌حور، حوزه مبدأ "کالا"، ۷۸٪ آمار استخراج شده از استعاره‌های مفهومی را به خود اختصاص داده است.

تفسیر دقیق‌تر عبارات استعاری موجود در گفتمان رؤسای جمهور نشان داد که، گفتمان حاکم بر زمان خاتمی ضمن تأکید بر رفع موانع محدودکننده بر سر راه علم، بسیار متأثر از آزادی علمی است. اصول کلی این گفتمان را می‌توان در مواردی چون آزادی بیان، گفت‌وگوی تمدن‌ها و شایسته‌سالاری صورت‌بندی کرد. گفتمان اصلاح‌طلبی توانست زنجیره هم‌ارزی با نظم گفتمان آموزش عالی یا گفتمان دانشگاهی شکل دهد و «ائتلاف گفتمانی» به وجود آورد. حال آنکه گفتمان اصول‌گرایی با تفسیر اجرایی و نه معرفتی که از مفهوم «اسلامی سازی علم» دارد، نظم گفتمانی آموزش عالی را به «غیر» و «دیگری» (یادداشت ویراستار: بعد از واژه "دیگری" چیزی از قلم افتاده است؟) خود تبدیل کرد (پورعلی و فیرحی، ۱۳۹۴). بررسی رویکرد غالب در زمان اصول‌گرایان، و بسامد بالای کاربرد واژگانی با بار معنایی مذهبی و دینی، نشان می‌دهد که بهره‌مندی افراطی از نگاه مذهبی و سنتی به علم منجر به افت کیفی علم شده است. چراکه اسلامی کردن دانشگاه به عنوان مهمترین مراکز علمی جامعه، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی گفتمان اصول‌گرایی بوده است، و ترسیم نگاه این گفتمان به دانشگاه با استفاده از دال مرکزی «اسلامی سازی علم»، می‌تواند به فهم سیاست‌گذاری علمی دولت نهم در دانشگاه کمک کند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۹۷) (ارجاع درست است؟ اگر ۳۹۷ شماره صفحه است باید پس از سال آورده شود). گفتمان اصول‌گرایی در بحث اسلامی‌سازی دانشگاه، به گونه‌ای تلاش کرد دانشگاه را به «دستگاه ایدئولوژیک» خود تبدیل سازد، که مهمترین کارکرد آن «تولید» انسانی باشد که همسو با جهت‌گیری ارزشی نظام اسلامی حرکت کند (هاشم‌زهی، ۱۳۹۲: ۵۵۰).

بنابراین می‌توان گفت که، بسامد کاربرد بالای استعاره مفهومی «علم معنویت است» در گفتمان اصول‌گرایان در مقایسه با دو گفتمان دیگر، شاید به دلیل بنیان‌های فکری این رویکرد و تأکید ویژه آن بر معنویت و مذهب باشد.

در دوران اعتدالیون نیز بازگشت به سویه‌های کیفی علم و در صدر قراردادن مباحث علمی مطرح بود. در واقع گفتمان روحانی در این دوره مبتنی بر تعامل سازنده با جهان بود که بیشتر با تئوری دولت توسعه‌گرا در زمینه مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در ارتباط بود (محقق‌نیا و

آموزش عالی، بررسی وضعیت موجود و آگاهی از چالش‌هایی است که این نظام را با اختلال‌هایی مواجه ساخته‌اند. با توجه به مراتب کمیّت‌گرایی در کلیه حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی برای رسیدن به اهداف خود با چالش‌ها و مسائل مختلفی روبه‌رو هستند.

دانشگاه‌ها، گسترش بی‌رویه دوره‌های آموزشی، پایین آمدن کیفیت آموزش و تدریس، به‌روز نبودن و کاهش سطح کیفی اعضای هیئت‌علمی، عدم تناسب محتوا و برنامه‌های درسی با نیازهای روز جامعه، کاهش شأن دانشگاه و انسان دانشگاهی، عدم هماهنگی بین دانشگاه‌ها با جامعه، پایین بودن سطح دانش، بینش و توان دانش‌آموختگان، افزایش نرخ دانش‌آموختگان بیکار و جویای کار، فقدان هدف‌گذاری مبتنی بر نیاز و نبود فرصت‌های برابر، همچنین مبتنی بودن نظام جذب و ارتقا بر عملکرد کمی افراد در تولید و انتشار مقالات علمی، ناکارآمدی روش سنجش (حافظه‌محوری و تست محوری)، بازنگری نشدن برخی از سیاست‌ها و ضوابط تعیین‌کننده در پذیرش دانشجو نظیر بومی‌گزینی، پذیرش بی‌ضابطه دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی بدون توجه به نیازها و مسائل کشور، از جمله چالش‌های اساسی می‌باشند که دانشگاه‌ها، مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی با آن روبه‌رو هستند و نتیجه مستقیم این بحران‌ها کاهش افت کیفی "علم (دانش)"، در سال‌های اخیر است.

در نهایت می‌توان گفت هیچ یک از یافته‌های پژوهش حاضر به تنهایی بی‌اثر بودن پژوهش‌های کشور را در گسترش مرزهای دانش اثبات نمی‌کند؛ اما از آنجایی که همگی مؤید یک نتیجه هستند باید پذیرفت که پژوهش‌های فراینده ایران تأثیر قابل توجهی در توسعه علم ندارند و عموماً تکرار یافته‌های سابق یا بیان یافته‌های جدید اما کم‌اهمیت هستند.

حمیدرضا، (۱۳۹۶) تحلیل نشانه-معناشناختی استعلای مکان در داستان کوتاه بزرگ بانوی روح من: اثر گلی ترقی. *دوفصلنامه روایت‌شناسی*. دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.

شعیری، حمیدرضا، (۱۳۹۰). نوع‌شناسی مکان و نقش آن در تولید و تهدید معنا. *نشانه‌شناسی مکان*. به‌کوشش فرهاد ساسانی. تهران: سخن.

شعیری، حمیدرضا، (۱۳۹۱). *نشانه-معناشناسی دیداری*. تهران: سخن.

در نظر گرفته می‌شود. محصول این نوع رویکرد اقتصادی به مقوله علم، منجر به افت کیفیت علم در سال‌های اخیر و همچنین افزایش دانشگاه‌های آزاد و واحدهای آموزشی مبتنی بر شهریه و رشد کمی علم در مقابل افت کیفی آن شده است. همانطور که مشخص است، تولیدات علمی کشور به لحاظ شاخص‌های کیفی و اثرگذاری وضعیت مطلوبی ندارد و علیرغم موفقیت‌های چشمگیر در دستیابی به شاخص‌های کمی از جمله: کسب جایگاه برتر در تعداد مستندات علمی و تعداد نشریات نمایه شده بین‌المللی نسبت به سایر کشورهای منطقه، به لحاظ شاخص‌های کیفی و اثرگذاری و استناد و استفاده از پژوهش‌ها آنگونه که باید موفق نبوده است.

تحلیل استنادی مقالات برتر کشور نیز حاکی از آن است که براساس داده‌های مربوط به ۱۰ سال اخیر، ایران با وجود حضور در جایگاه ۲۲ جهان از لحاظ تعداد مدارک علمی و جایگاه ۳۶ از لحاظ تعداد مقالات برتر، از لحاظ سهم مقالات برتر از مستندات علمی کشور و میانگین تعداد استناد به هر مقاله برتر، از میان ۱۵۵ کشور دارای مقاله برتر، به ترتیب در رتبه‌های ۱۳۹ و ۱۴۱ قرار دارد. از مجموع ۳۰۰۷ نفر دریافت‌کننده جایزه برتر جهان، تنها یک پژوهشگر ایرانی برگزیده شده است. بنابراین، سهم ایران در کسب این جوایز ۳ درصد بوده که نسبت به سهم ۱/۹ درصدی کشور در برون‌دادهای پژوهشی جهان در سال ۲۰۱۴ بسیار ناچیز است (احسانی و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین رتبه ایران از لحاظ کمیّت برون‌دادهای پژوهشی و شاخص‌های توسعه عموماً تنزل کرده و بهبود مشاهده شده در معدودی از این شاخص‌ها نیز متأثر از پژوهش نبوده است. یکی از الزامات غیرقابل انکار برای دستیابی به اولویت‌های اساسی دولت‌ها، در برنامه‌ریزی برای نظام


## منابع

پناهی، عباس. محمد زاده، اسدالله. (۱۳۹۸). تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه بر اساس نظریه بازنمایی استوارت هال، *مطالعات تاریخ فرهنگی*. سال ۸، شماره ۲۷، صص ۱-۲۳.

پورخوش‌سعادت، صدیقه. مودنی، علی محمد. نوروزی دادخانی، ثورالله. (۱۴۰۰). بازتاب مسائل اجتماعی در سفرنامه‌های قاجار. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*. دوره ۱۳، ش. ۴۸، صص: ۴۵-۶۶.

رضایی، رضا. گلغام، ارسلان. آفاکلزاده، فردوس. شعیری،

- معاصر. دوره ۱۰. شماره ۲. صص ۲۱۱-۲۴۱.
- معین، مرتضی بابک. (۱۳۹۴). معنا به مثابه تجربه زیسته: گذار از نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه‌شناسی با دورنمای پدیدارشناختی. تهران: سخن.
- Bachelard, G. (2004). *La Poétique de l'espace*. Paris: Quadrige/PUF.
- Fontanille, J. (1989). *Les Espaces Subjectifs: Introduction à la Sémiotique de l'observateur*. Paris: Hachette.
- Fontanille, J. (1998). *Sémiotique du Discours*. Limoges: PULIM.
- Granger, G. G. (1999). *La Pensée de l'espace*. Paris: Odile Jacob.
- Landowski, E. (2004). *Passion Sans Nom*. Paris: PUF-
- Landowski, E. (2010). "Régimes d'espace". *Nouveaux Actes Sémiotiques. Recherches. Sémiotiques*.
- شیروانی، علی اکبر. (۱۳۹۶). پاریس از دور نمایان شد. تهران: اطراف.
- علی‌محمدی، مونا. (۱۳۹۹). سیری در سفرنامه نویسی: بررسی چرایی رواج سفرنامه‌نویسی در ایران دوره قاجار، تحول و افول آن پس از انقلاب مشروطه، ادبیات پاریس <http://revues.unilim.fr/nas>.
- Lotman, Y. (1999). *La Sémiosphère*. Limoges: PULIM.
- Lyotard, J.F. (1985). *Discours, Figure*. Paris: Klincksieck.
- Panofski, E. (1975). *La Perspective Comme Forme Symbolique et Autres Essais*. Paris: Editions de Minuit.
- Parret, H. (1988). *Le Sublime du Quotidien*. Paris-Amsterdam: Hadès-Benjamin.
- Tarasti, E. (2009). *Fondement de la Sémiotique Existentielle*. Paris: Harmattan.

	<p><b>COPYRIGHTS</b> © 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<a href="http://creativecommons.org/licenses/by/4.0">http://creativecommons.org/licenses/by/4.0</a>)</p>
---	--